

علی محمد حق شناس

زبان و ادب فارسی در گذرگاه سنت و مدرنیته

(مجموعه مقالات)



فهرست

۱. معنا و آزادی در شعر حافظ ۷
۲. آفاق شعر سعدی و حافظ؛ بحثی در سهولت و امتناع در شعر ۳۱
۳. رمان و عصر جدید در ایران ۴۳
۴. زبان‌شناسی و نقد ادبی ۶۳
۵. دوباره می‌سازمت، غزل! ۸۱
۶. یک گام مانده به یک رمان ۹۷
۷. ادبیات جهان اسلام و ایران و اثرپذیری اروپا از آن (ترجمه) ۱۱۱
۸. مرز میان زبان و ادبیات کجاست؟ ۱۵۳
۹. زبان فارسی، از سنت تا تجدّد ۱۸۳
۱۰. ابهام و نارسایی در ترجمه‌های فارسی؛ ریشه‌یابی و چاره‌جویی ۲۰۷
۱۱. زبان‌شناسی، از فن تا علم ۲۲۷
۱۲. در جست‌وجوی زبان علم ۲۴۵
۱۳. واژه‌سازی درون متن، یک علاج قطعی ۲۵۵
۱۴. همزه در زبان و خط فارسی ۲۶۷
۱۵. اشتقاق فعل و تصریف آن در فارسی ۲۸۱

مطلع را به گونه ای دیگر و گویا در سینه، نغمه ای لطیف و آهنگ آمیز می‌نویسد که از شهرت و
معنا و تناسل و تکرار در شعر حافظ، که در این بخش به آن خواهیم پرداخت، سخن می‌گوید.
فراوانی و تنوع آن در هر یک از ابیات و سوره‌ها و غزلیه‌ها و ناسبات و قصاید و مثنوی‌ها و
در هر یک از این گونه‌ها و در هر یک از این ابیات و سوره‌ها و غزلیه‌ها و ناسبات و قصاید و مثنوی‌ها
اینچنین به نظر می‌رسد که حافظ در این بخش به تکرار و تکرار و تکرار و تکرار و تکرار و تکرار و
که اینها را می‌توان به گونه‌ای دیگر و گویا در سینه، نغمه ای لطیف و آهنگ آمیز می‌نویسد که از شهرت و
معنا و تناسل و تکرار در شعر حافظ، که در این بخش به آن خواهیم پرداخت، سخن می‌گوید.
فراوانی و تنوع آن در هر یک از ابیات و سوره‌ها و غزلیه‌ها و ناسبات و قصاید و مثنوی‌ها و
در هر یک از این گونه‌ها و در هر یک از این ابیات و سوره‌ها و غزلیه‌ها و ناسبات و قصاید و مثنوی‌ها

۱

معنا و آزادی در شعر حافظ*

با یاد دوست و همکار از کف رفته‌ام
شادروان دکتر احمد تفضلی

می‌دانیم که حافظ را بسیاری از صاحب نظران بزرگ‌ترین شاعر یا لااقل بزرگ‌ترین غزلسرای زبان فارسی خوانده‌اند^۱ و او را فشرده‌ی فرهنگ ما و نماد روح ایرانی دانسته‌اند^۲ و حتی او را لسان‌الغیب لقب کرده‌اند^۳، ولی تا آن جا که من می‌دانم، هنوز کسی مراتب صدق این سه مدعا را به تحقیق تعیین نکرده است. سعی من در این مختصر بر آن است که نشان دهم اگر، از یک طرف، در شیوه‌های بیان معنا در اشعار حافظ دقیق شویم و از طرف دیگر، به نوع معانی موجود در آن اشعار توجه کنیم، خود می‌توانیم

* محتوای این نوشته را با دوست و همکارم دکتر حسین سامعی در میان گذاشتم و از پیشنهادهای او در پیرایش و پردازش آن استفاده کردم. از او از این بابت ممنونم. خلاصه‌ای از این نوشته در دومین یادروز حافظ (۲۰ مهرماه ۷۷) در شیراز بازگو شد. ۱. از جمله، نک: خرمشاهی بهاء‌الدین، حافظ، طرح نو، تهران ۱۳۷۳، ص ۱ و ۱۷ و ۹۹.

۲. زریاب خوبی عباس، آیینی جام، انتشارات علمی، تهران ۱۳۶۸، ص ۵۱.
۳. این لقب را قدما به او داده‌اند، نک: زریاب خوبی، همان، ص ۱۷.

به روشنی دریابیم که چرا حافظ واقعاً بزرگ‌ترین شاعر یا غزلسرای زبان فارسی است و چرا به راستی فشرده‌ی فرهنگ ما و تجسم روح ایرانی است و چرا حقیقتاً لسان غیب ما است. اما برای نیل به این مقصود باید نخست ببینیم که مراد از شیوه‌های بیان معنا در شعر، به طور عام و در شعر حافظ، به طور خاص، چیست و هریک از آن شیوه‌ها با چه ویژگی‌هایی همراه است و آن‌گاه معلوم کنیم که معانی موجود در اشعار حافظ از چه نوعند و خود چگونه در آن اشعار جلوه‌گر می‌شوند.

۱. شیوه‌های بیان معنا در شعر

بیان معنا در شعر ظاهراً به چهار شیوه صورت می‌گیرد. از آن چهار شیوه ما در این جا با نام‌های بیان بی‌واسطه‌ی معنا، مضمون‌پردازی، نقل^۱ ناقص و نقل کامل سخن خواهیم گفت و ضمن طرح و توصیف هریک نشان خواهیم داد که نقش آن شیوه در ایجاد کیفیت شعری تا چه میزان است و اقبال حافظ به آن تا چه حد است. خوب است همین جا تصریح کنیم که این چهار شیوه می‌توانند در یک شعر با هم به کار برده شوند، گو آن‌که در هر شعری معمولاً غلبه با یکی از آن‌ها است.

الف. بیان بی‌واسطه‌ی معنا

در بیان بی‌واسطه‌ی معنا، شاعر معنای مطلوب خود را در قالب الفاظ معهود یا به قول زبان‌شناسان، الفاظ دلبخواهی^۲ و قراردادی^۳ همان معنا به شعر درمی‌آورد. در این شعر فردوسی معنا به همین صورت بیان شده است^۴:

چو از دفتر این داستان‌ها بسی	همی خواند خواننده بر هر کسی
جهان دل نهاده بدین داستان	همان بخردان نیز و هم راستان
جوانی بیامد گشاده زبان	سخن گفتن خوب و طبع روان

1. transfer(ence) 2. arbitrary 3. conventional

۴. شاهنامه‌ی فردوسی، ج ۱، چاپ دوم، ص ۲۲، مسکو، ۱۹۶۶.